



جدی ۱۳۸۵ دسمبر/جنوری ۲۰۰۷/۰۶

شماره ۴۱

سال دوم

سرمقالهء شمارهء ۴۱

داکتر اکرم عثمان



افغانستان در منگهء قمار همسایه ها

در فرهنگ ما مثل و مقولهء معنا داری وجود دارد که در زمان ما کاربرد خاصی دارد و آن اینکه مردم ما از دیرگاه از سرخوشباوری می پنداشتند که خداوند متعال به « همسایه » چه در چارچوب کوچه و چه در چارچوب فرا کوچه حقوق و منزلتی عنایت کرده که بعد از حقوق خودش از جایگاه و منزلت فراوانی برخوردار است. شاید مفهوم درونی این مقوله نوعی مساهله و مدارا بین آدمها باشد که همزیستی و همدلی مسالمت آمیز بین شان را حرمت بگذارند و یکدیگر را تکه و پاره نکنند. ولی تجربه نشان داده که هیچ همسایه ای در هر سطح و موقعیتی، نه گوش به توصیه خداوند داده اند و نه بار مصلحتی آن مقوله را مدنظر داشته است.

در میدان عمل نیز، افغانستان، شکر پروردگار محروم و بی بهره ها از همسایه های خوشفکر و خوش سخن نبوده است!!



جدي ۱۳۸۵ دسمبر/جنوري ۲۰۰۷/۰۶

شماره ۴۱

سال دوم

اگر همسایه های شمالی (تاجکستان، ترکمنستان و ازبکستان) را بخاطر درجه نازل نفوذ و تاثیر شان بر افغانستان، عجلتاً نادیده بگیریم باید با اطمینان خاطر بگوئیم که در کفش آنها هم ریگ وجود دارد! و صرفاً به خاطر جبر و جفای تقدیر از بهشت برین به این دنیای پر آشوب رانده شده اند! آنها نیز دندانهای تیز دارند و خواب تشکیل امپراطوری را می بینند. اما همسایه های شرقی و غربی ما درین گفتمان - اگر بتوان آنرا گفتمان نامید - بهره مند از دستهای درازی میباشد.

از آنجا که در باره پاکستان سخن فراوان رفته است عجلتاً خوب و خراب رفتار آن همسایه مزاحم را به نوبت های دیگر می گذاریم. فعلاً به اقتضای گنجایش این مقاله یا یادداشت، مختصراً به جنبه بی از مناسبات ما با ایران می پردازیم:

در این هیچ شبهه ای نیست که دو کشور ایران و افغانستان در گستره های تاریخ و جغرافیا اجزای متداخل در همدیگرند و یا به سخن دیگر از اجزای مورد منازعه یکدیگر تشکیل شده اند. از جانب دیگر بیان واقعیت های بالا، نه به معنای نفی کامل نورمهای حقوق بین الدول است. بلکه ما فراتر از روابط تاریخی و فرهنگی با ایران مناسبات سیاسی و حقوقی هم داریم که متکی بر ضابطه های مناسبات بین المللی میباشد.

با تاسف فراوان حاکمیت موجود در ایران از همسایگی با افغانستان تعبیری دیگری دارد. مسافرانی که از راه « سرحداری اسلام قلعه » داخل کشور ما میشوند با شگفتی می بینند که سرحداری ایران چندین کیلومتر به داخل افغانستان لغزیده است - بی توجه به «پیلرها» و علایم مشخصی که از زمان « فخرالدین التای » میانجی ترک، به منظور تثبیت مرزهای مملکتین نصب مشخص و برقرار شده بود.

گفته میشود که جمهوری اسلامی ایران به بهانه تاسیس بازارچه ای در «نقطه صفر!» یا حد فاصل سرحدات دو کشور، به چنین اقدامی دست یازیده است که با سکوت حکومت افغانستان مقابل شده است.

شکی نیست که چنین برخوردی از ضعف افغانستان مایه میگردد. حکومت افغانستان که خود را در چنبره فشار همسایه های شرقی و غربی اش حس میکند خود را ناگزیر از چشم پوشی می بیند و قضیه را تلویحاً به فردا احاله می نماید.

شبهه ای نیست که وزارت خارجه ایران این دست اندازی را به اعتبار « یادداشت تفاهمی » جامه عمل پوشانده که حدود پانزده سال قبل بین یکی از مقامات وزارت خارجه افغانستان و یک مقام دین پایه ایرانی به امضاء رسیده بود.

آگاهان امور سیاسی واقفند که یادداشتهای تفاهم از هر سنج و ضیغه ای از گونه تفاهمات الزام آور در سطح قراردادهای دوجانبه و چند جانبه معتبر بین المللی نمی باشند. مخصوصاً اگر یادداشت تفاهم مهرتایید پارلمان های دو کشور را نداشته باشد بکلی فاقد اعتبار میباشد.



جدی ۱۳۸۵ دسمبر/جنوری ۲۰۰۷/۰۶

شماره ۴۱

سال دوم

بُعد دیگر قضیه اینکه باید پرسید که جانب ایران در بدل چنان سوء رفتاری که منجر به تصرف حدود هفت کیلومتر از خاک وطن ما شده است، به افغانستان چه داده است؟ لبخند محبت آمیز جناب آقای سید محمد خاتمی رئیس جمهور سابق آن کشور را؟! یا وعده وعید جناب رفسنجانی را که در اعمال فشار بر افغانستان و زد و بند با بنیادگرا های تمدن ستیز و کور و کر، و نیم افغان، نیم پاکستانی و نیم ایرانی دوران جنگهای داخلی، از هیچ مداخلتی دریغ نورزیده است.

سیاست جمهوری اسلامی ایران در مورد افغانستان خبر از برپایی یک «کلونی فرهنگی» ایران در داخل افغانستان و تاجکستان میدهد.

این شیوه های پیشامد، از چشم مردم افغانستان پوشیده نمی ماند و همان عواقبی را بدنبال خواهد داشت که بعد از برآمد صفویه، به ظهور رسید.

ما به پارلمان و دولت افغانستان توجه میدهم که جلو فاجعه را پیش از تیره شدن روابط بگیرند و از اجرای سیاست های منفعل و مبهم بپرهیزند.

چه بهتر که بردران ایرانی، ساز و برگ سرحداری شانرا به همان جایی ببرند که قبلاً قرار داشت. درین باب صدها مدرک معتبر وجود دارد که پرده از روی حقایق پوشیده تر برمیگیرد و به ما هوشدار میدهد که مواظب جدی بازی دوگانهء همسایه ها باشیم.

به گفت عبدالرحمن پژواک:

هزار خم کنند مست می پرستان را

چنانکه ذره خاکی وطن پرستان را

سکندر است ز تنها که زور ما دیده

هزار آینه را این عبا پوشیده